

فصلنامه حقوق اداری

سال نهم، زمستان ۱۴۰۰، شماره ۲۹

مقاله علمی پژوهشی

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری (قانون لینکلن ۱۸۶۳)^۱

محمد رضا کیخا^۲؛ مصطفی کیخا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

چکیده

توان نظارتی مردمی برای کشف و کاهش و پیشگیری تخلفات اداری از جمله ابزارها در موضوع مبارزه با مفاسد سازمان یافته اداری است. روش معروف به «قانون لینکلن» یا «قانون ادعاهای نادرست» مصوب ۱۸۶۳ با فراهم کردن بستر حمایتی و تشویقی تجربه موفق در مبارزه با فساد اداری از خود نشان داده است؛ هرچند مصوبات چندسال اخیر مجلس در جهت سوت زنی نگاهی پیشگیرانه از نوع وضعی بوده است اما ما به دنبال تبیین اجتماعی بودن پیشگیری در این قانون هستیم، راهبردی که لازم است دولت بصورت فعالانه شهروندان و کنشگران و نهادهای غیر دولتی را به مشارکت فرا خواند، اما سوالی که مطرح می شود آن است، که آیا این قانون می تواند مبنای شرعی داشته باشد؟ این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده نشان می دهد که کلیات این قانون با سازه های فقه سنتی و مؤیدات قرآنی و روایی مانند آیات و روایات امر به معروف و ناهی از منکر و همچنین با قواعد فقهی نفی سبیل و حفظ مصلحت و احترام اموال مردم، مطابقت دارد و لذا می تواند بستری مشروع باتکیه بر رجوع به اهل خبره و ناظر بر نتایج تجربیات جهانی و تسهیل کننده رابطه مردم و دولت در چارچوب قوانین و اسناد بالادستی به منظور شناسایی فساد اداری و کاهش آن و حتی پیشگیری، مؤثر واقع گردد. همچنین مبانی فقهی، موید مشروعیت تخصیص بخشی از بیت المال در جهت تشویق برای بازگرداندن منابع مالی به غارت رفته از اموال عمومی است و حتی بالاتر، می توان با این قانون نوعی تجاری سازی در جهت پیشگیری از جرائم اداری ایجاد نمود. در نتیجه به نظر می رسد این قانون با اصلاحاتی، توانایی آن را دارد که پایه گذار نهاد مقابله ای و پیشگیرانه با فساد اداری در شرایط کنونی کشور باشد.

کلیدواژه: قانون لینکلن، فساد اداری، اختلاس، نظارت، کشف، تشویق، پیشگیری

1. Lincoln Law

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول).

kaykha@hamoon.usb.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

m.keikha.69@gmail.com

۱. مقدمه

نقش آفرینی مستقیم مردم در جهت اداره جامعه یکی از مهمترین معیارها در اکثر جوامع پیشرو معاصر می‌باشد. این در حالی است که نظارت مردمی در یک حکومت اسلامی سابقه‌ای به وسعت طول تاریخ اسلام دارد، به گونه‌ای که می‌توان نمونه‌های فراوانی از آن را در طول تاریخ اسلام یافت، از جمله شخص امیرالمؤمنین علی (ع) متعدد نظارت عمومی را بر امرا و دست نشانده‌های خود متذکر می‌شدند. لازم به ذکر است امروزه مصادیق فساد به موارد خاصی محدود نمی‌شود، بلکه تصرف در اموال عمومی، زمین خواری، عدم پرداخت عوارض صادرات و واردات، تخلف از قوانین اداری و مالی و... نمونه‌های دیگری هستند که هر ساله صدمات مادی و غیرمادی فراوانی به کشور وارد می‌کنند، به طوری که در تازه‌ترین گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل^۱ در زمینه «شاخص ادراک فساد»^۲، ایران در سال ۲۰۱۹ با چند پله نزول نسبت به سال‌های گذشته، در رتبه ۱۴۶ از بین ۱۹۸ کشور مورد بررسی قرار گرفته است.^۳

فساد اداری در سایر کشورها نیز چنین معضلاتی به وجود آورده است، به همین دلیل برخی کشورها مانند امریکا با اجرای قانونی به نام «قانون لینکلن» توانسته‌اند مفاسد اداری خود را کاهش دهند، حال سؤال اساسی این است که آیا می‌توان مبنای فقهی برای این قانون جهت اجرا در کشور اسلامی ایران پیدا کرد؟ و سؤال دیگر این است که پرداخت‌های این قانون آیا می‌تواند مشروع باشد؟

پیشینه پژوهش

در حوزه سوت‌زنی و گزارشگری مردمی، تاکنون به صورت محدود تحقیقاتی انجام شده است، اما نمی‌توان گفت که هر یک از این پژوهش‌ها با بستر فقهی-حقوقی نظام اداری کشور همسو بوده و تأمین کننده و تسهیل کننده رابطه مردم و دولت در چارچوب قوانین بالادستی کشور به ویژه سیاست‌های کلی نظام اداری در جهت حمایت و تشویق نظارت مردمی را در پی داشته است، مصوبات جدیدالتصویب مجلس نیز اگرچه شتابزده بود اما باعث سیاست‌زدگی دولتمردان شده است (ر.ک: قماش و همکار، ۱۳۹۶، ش ۱۳، ص ۸۵) و عملاً با اجرا فاصله بسیار دارد، پژوهش حاضر، در

-
1. Transparency international the global coalition against corruption
 2. Corruption Perceptions Index
 3. <https://www.transparency.org/en/cpi/2019/results/irn>

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری ۲۲۱

راستای ارائه و معرفی بستری اجرایی با مشروعیت فقهی - حقوقی برای به کارگیری نظارت مردمی به منظور کاهش و کشف تخلفات اداری، و نمونه‌ای بارز در جهت پیشگیری فعالانه اجتماعی است، که با ایجاد دو بستر «حمایت قانونی» و «تشویق مردمی» با توجه به نتایج تجربیات کشورهای مختلف در بکارگیری «قانون ادعاهای نادرست»، انجام شده است.

۲. چستی «قانون ادعاهای نادرست»

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان روش‌های کشف فساد را به دو گروه نظارتی متمرکز و عمومی تقسیم نمود، در نظارت متمرکز یا بیرونی که دیدگاه غالب در میان تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران می‌باشد، یک یا چند سازمان خاص متولی نظارت و کشف فساد است، در حالی که در نظارت عمومی یا داخلی از ظرفیت عموم مردم و یا کارمندان خود آن سازمان، برای ایفای نقش نظارت و کشف فساد استفاده می‌شود، بر اساس گزارش سال ۲۰۱۲ موسسه AFCE از بین ۱۲ روش استاندارد کشف فساد، ۴۳ درصد از موارد توسط نظارت و گزارش‌دهی مردمی محقق شده است، همچنین ۷۳ درصد از افرادی که عامل کشف و انهدام فساد بوده‌اند، کارمندان یا ارباب‌رجوع‌های سازمان موردنظر بوده‌اند، این در حالی است که استفاده از بازرسان خارج از سازمان و نظارت نهادهای بالادستی تنها توانسته است ۵ درصد از موارد فساد را کشف کند.^۱

مطالعات بین‌المللی نشان از کارایی و توان اثربخشی نظارت عمومی یا مردمی دارد. بنابراین می‌توان گفت یکی از مجرب‌ترین سازوکارهای کشف فساد با تکیه بر نظارت عمومی، قانون «ادعاهای نادرست»^۲ معروف به «قانون لینکلن»^۳ است. در ایالات متحده آمریکا، قوانین گوناگونی در ارتباط با گزارش تخلفات وجود دارد، بعضی از این قوانین ایالتی هستند و فقط در یک یا چند ایالت لازم‌الاجرا می‌باشد و برخی دیگر در سراسر کشور آمریکا اجرا می‌شود، که به اصطلاح فدرال، نام دارد، قوانین ایالات متحده در حوزه گزارش‌دهندگان تخلف، به دو دسته «قوانین حمایتی» در جهت جلوگیری از انتقام‌گیری و «قوانین تشویقی» برای ایجاد انگیزه افشاگری، تقسیم می‌شود.^۴

1. <https://www.acfe.com/fraud-resources.aspx>

2. The False Claims act

3. Lincoln Law

4. <http://www.justice.gov> (2011/04/22)

اولین و شاید قدیمی‌ترین قانونی که علاوه بر حمایت، به تشویق گزارش دهندگان تخلف می‌پردازد، مربوط به سال ۱۸۶۳ م و جنگ‌های داخلی ایالات متحده آمریکا است که با عنوان «قانون ادعاهای نادرست»^۱ مشهور به «قانون لینکلن»^۲ به تصویب رسید، گنگره آمریکا به منظور مبارزه با فساد موجود در سیستم تدارکات ارتش از همه شهروندان خواست که اقدامات غیرقانونی را در قراردادهای نظامی، گزارش دهند و جایزه دریافت کنند، همچنین متخلفان دوبرابر خسارت وارده به دولت، به علاوه مبلغ ثابت ۲۰۰۰ دلار، جریمه می‌شدند و البته در اصلاحات بعدی قانون مذکور میزان جریمه به سه برابر خسارت وارده نیز افزایش یافت.^۳

قانون «ادعاهای نادرست» در سال ۱۹۸۶ م برای استفاده در سایر قراردادهای دولتی (علاوه بر نظامی) تعمیم یافت، به موجب این قانون، مواردی که گزارش‌دهندگان تخلف می‌توانند در مورد آن گزارش دهند عبارتند از:

- طرح دعوی دروغ یا خلاف واقع علیه دولت

- بیش از حد جلوه دادن مقدار یا کیفیت محصول تحویل داده شده به دولت

- کم‌اظهاری بدهی به دولت (پرنیان، ۱۳۹۶: ۱۵)

۳. حمایت از گزارش دهندگان تخلف

قوانین متعددی در جهت حمایت و جلوگیری از مقابله به مثل و یا انتقام‌گیری به تصویب رسیده است، که از جمله آن می‌توان به قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ اشاره نمود، درحالی که اقبال چندانی از سوی دولتمردان و ناظران مردمی نشد؛ چرا که مبتلا به سیاست‌زدگی مسولان و عدم نگاه بلند مدت به آن بود، اما «قانون ادعاهای نادرست» از قدیمی‌ترین قوانین در این حوزه است، طبق این قانون «اگر کارمند، طرف قرارداد یا مأمور مذکور، از کار بر کنار شود یا تنزل رتبه یابد یا از کار معلق شود، یا به هر نحوی تهدید شود یا مورد آزار قرار گیرد یا به هر روش دیگری مورد تبعیض نسبت به قوانین کار قرار گیرد، حق درخواست خسارت را خواهد داشت» (پرنیان، ۱۳۹۶: ۱۱).

1. The False Claims act

2. Lincoln Law

3. [http:// www.legislink.org/us/pl-99-562](http://www.legislink.org/us/pl-99-562)

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری ۲۲۳

در راستای صیانت از محرمانگی پرونده و مخفی ماندن هویت افشاگر نیز در این قانون مقرر شده است که شاکی خصوصی ابتدا می‌بایست دادخواستی را در دادگاه فدرال منطقه تنظیم نماید. دادخواست به صورت محرمانه تکمیل می‌گردد، به طوری که تنها دولت و شاکی خصوصی از آن آگاه می‌باشند، پس از تکمیل دادخواست وزارت دادگستری به همراه دادستان منطقه‌ای، موظفند ظرف مدت ۶۰ روز بررسی نموده و تصمیم بگیرند که آیا در مورد این مساله مداخله نماید یا خیر.^۱

۴. تشویق گزارش دهندگان تخلف

یکی از ابزارهای مهم برای تشویق گزارش دهندگان تخلف، پاداش‌های مالی جذاب است، مطابق «قانون لینکلن»، اجرای این قانون توسط وزارت دادگستری و یا اشخاص حقیقی در فرآیند کوی تام^۲ پیگیری می‌گردد. قانون لینکلن از طریق این فرآیند به اشخاص اجازه می‌دهد تا به نمایندگی از دولت علیه افرادی که متهم به کلاهبرداری از دولت هستند، دادخواست تنظیم نمایند. در این فرآیند در واقع دولت دادخواه اصلی است. اگر شکایت به نتیجه برسد و مدعی علیه محکوم گردد، شاکی خصوصی می‌تواند تا ۳۰ درصد دریافتی دولت از این پرونده (یعنی وجهی که پس از تصمیم قضایی، متخلف می‌بایست آن را به دولت بپردازد) را دریافت کند.^۳

در صورت پیروزی دولت و یا مصالحه کردن طرفین دعوا در پرونده، شاکی خصوصی (گزارش دهنده تخلف) بسته به میزان دخیل بودن در پرونده بین ۱۵ تا ۲۵ درصد دریافتی دولت را مالک می‌شود. در صورتی که دولت مداخله ننماید، شاکی خصوصی می‌تواند خود، پرونده را جلو برده و در صورت پیروزی تا ۳۰ درصد دریافتی دولت را مالک گردد. در صورتی که شاکی خصوصی نیز در فعالیت‌های ناصحیح مرتبط به پرونده دست داشته باشد، دادگاه سهم او را از دریافتی پرونده کاهش می‌دهد.^۴

1. <http://www.law.cornell.edu>

2 Qui tam

3. <http://www.law.cornell.edu>

4. <http://www.law.cornell.edu>

۵. نقد وارده بر اجرای «قانون ادعاهای نادرست»

باید پذیرفت که این قانون در قالب اجرا دارای کاستی‌هایی نیز هست که در صورت اصلاح، می‌توان اثرات بهتری از اجرای این قانون در جهت کاهش فساد اداری مشاهده نمود، تقویت جنبه حمایتی این قانون توسط قوانین موضوعه دیگر و همچنین وجود سایر قوانین مغایر از جمله ضعف‌های اجرایی این قانون به شمار می‌رود. از طرفی دیگر، عدم وجود هدایت‌گر و پشتیبان قضایی کار را برای افشاگر مبهم نموده است (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۷: ۳۹) به این معنا که به علت عدم شفافیت آینده یک مدعا از جهت احتمال اثبات یا عدم اثبات باعث شده بسیاری از افشاگرها منصرف شوند. همچنین درصد مبلغ تعیین شده در قانون مذکور تنها در تخلفات گسترده مشوق خواهد بود، درحالی که بخش اعظمی از تخلفات مربوط به مبالغ کم می‌باشد. از طرف دیگر تخلفات گسترده نیز مسلماً دارای پیچیدگی‌های وسیعی می‌باشد که بسیاری از افشاگران را پشیمان می‌کند. نقد دیگری که می‌توان در اجرا به این قانون وارد نمود آن است که بسیار از تخلفات اداری به شکل اتلاف اموال عمومی است که در این صورت طبق این قانون مشوقی پیش‌بینی نشده است و البته دستیابی مدارک نیز سخت و روند دادرسی هم پیچیده‌تر خواهد شد که خود این امر باعث انصراف بسیاری خواهد شد. نقد دیگر احتمال اتهام‌زنی است به این معنا که چه بسا برخی افراد برای دریافت پاداش اقدام به جعل اسناد کنند و حتی این امر می‌تواند از ابزارهای مخالفین کشور در جهت حذف مدیران خدوم باشد. که البته همه نقدهای موجود بر این قانون و همچنین نقدهای دیگر را می‌توان بر قوانین تصویب شده در مجلس شورای اسلامی که در جهت جلوگیری از فساد اداری و کشف آنان در طی چند سال اخیر به تصویب رسیده است (قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب، ۱۳۹۰: ۱) مشاهده نمود. علاوه بر اینکه هیچ توجهی به جنبه پیشگیرانه آن نشده است و از آن جهت که به این قوانین نگاهی کوتاه مدت بدون توجه به علل ریشه‌ای تخلفات شده است ثمره واقعی آن را به دست نیامده است.

۶. لزوم اجرای «قانون ادعاهای نادرست»

با نگاهی به روند تاریخی فساد در کشورمان که گاه متأثر از وجود جریان‌های خارجی می‌باشد، وجود نظامی حقوقی در جهت مبارزه با فساد و انسداد راه‌های نفوذ را امری لازم و ضروری می‌نماید. تصویب قوانینی همانند قانون «ادعاهای نادرست» که دارای تجربه موفق عملی در سایر کشورهای

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری ۲۲۵

جهان است، می‌تواند دارای چنان ظرفیتی باشد که فساد اداری را به حداقل برساند. در واقع این قانون می‌تواند پایه‌گذار نهاد مقابله‌ای با فساد اداری باشد که علاوه بر این که هزینه‌ای برای دولت و افراد ندارد، بلکه سود مادی قابل توجهی هم به ارمغان می‌آورد، چه برای دولت و چه برای افشاگران، از آن جهت که هزینه به سرقت رفته خزانه را باز خواهد گرداند و می‌توان مبحث تجاری سازی آن را مطرح نمود و همچنین هزینه نظارت متراکم را به حداقل می‌رساند و از طرفی دیگر با اختصاص ۱۵ تا ۳۰ درصد مبلغ بازگشت داده شده از فساد به افشاگر، می‌تواند سرمایه‌ای قابل توجه برای کشف کننده فساد باشد، به عبارت بهتر، براساس این قانون، مردم به خاطر افشای فساد نه تنها مورد مواخذه قرار نمی‌گیرند بلکه مورد تشویق هم قرار خواهند گرفت و همین مساله امتیاز قابل توجه این قانون است در جهت بدبینی شرکای متخلف نسبت به یکدیگر و ایجاد حس عدم اعتماد که باعث پیشگیرانه بودن این قانون می‌گردد، نگاه پیشگیری وضعی به این قانون اگرچه ممکن است آثار منطقی خوبی را در نظر اندیشمندان متصور سازد اما محکوم به سرنوشت سایر قوانین مقابله با تخلفات اداری خواهد شد، درحالی که نگاه پیشگیری اجتماعی به همراه نگاه بلندمدت در حوزه اجتماعی آثار واقعی منسجمی را در پی خواهد داشت. وجود بستر حمایتی و تشویقی در این قانون و همچنین شفافیتش نسبت به سایر قوانین می‌تواند این قانون را به‌عنوان یک مصداق اجرایی متناسب با شرایط کنونی کشور مورد توجه قرار داد و البته بومی‌گزینی و آسیب شناسی و اجرای صحیح آن لازم می‌آید.

۷. ادله فقهی تأیید کننده قانون «ادعاهای نادرست»

فقها غالباً در ذیل مبحث حد محاربه، مصادیقی از فساد اقتصادی مانند اختلاس و یا جعل و... را مطرح می‌نمایند، شهید اول در ذیل مبحث محاربه، تعدادی از مفاصد اقتصادی را مانند «المختلس، المستلب، المحتال علی أخذ الأموال بالرسائل الكاذبه» ذکر نموده است و شهید ثانی در تعریف هر یک می‌نویسد: «المختلس و هو الذی يأخذ المال خفیه من غیر الحرز... المستلب و هو الذی يأخذه جهراً و یهرب مع کونه غیر محارب»، ایشان حکم هر یک را تنها تعزیر می‌داند، و دلیل آن را عدم وجود نص از جانب شارع بیان می‌کند «یعزر کل واحد منهم بما یراه الحاکم، لأنه فعل محرم لم ينص الشارع علی حده» (شهید ثانی، ۱۴۱۰/۹/۳۰۴).

مرحوم صاحب جواهر نیز، در مساله هشتم از حد محاربه به بیان احکام برخی از فسادهای اقتصادی و اداری می‌پردازد، اومی نویسد: «المسأله الثامنه: لا یقطع المستلب و لا المختلس و لا المحتال علی الأموال بالتزویر و الرسائل الکاذبه بل یستعاد منه المال و یعزر بما یراه الحاکم...» (نجفی، ۱۳۶۲: ۵۹۶/۴۱-۵۹۷) مسئله هشتم: سارق، اختلاس گر و فریبنده با جعل و نامه‌های دروغین قطعید نمی‌شود، بلکه پول از او پس گرفته می‌شود و طبق آنچه حاکم می‌بیند تعزیر می‌کند، او در ادامه به تعریف شخص اختلاسگر می‌پردازد.

البته مرحوم ابوالصلاح حلبی بعد از اینکه مانند سایر فقها به بیان چند جرم اداری - اقتصادی و مستوجب تعزیر بودن آن‌ها می‌پردازد مطلبی را می‌نویسد که نشان از توجه او به مساله اقدامات پیشگیرانه می‌باشد، او می‌نویسد: «و یعزر من أكل أو شرب أو باع أو ابتاع أو تعلم أو علم أو نظر أو سعی أو بطش أو أصغى أو أصر أو استأجر أو أمر أو نهى على وجه قبيح. فان كان من آتی ما یوجب التعزیر عاقلا فی یوم أو لیلۃ معظمان کیوم الجمعة و العید و زمان الصوم أو لیلته أو مکان معظم کالمسجد الحرام أو مسجد الرسول صلی الله علیه و آله أو مسجد الکوفه أو بعض مشاهد الأئمه علیهم السلام أو مسجد الجامع أو المحله غلظت علیه العقوبه. و ان کان ذلک مما یوجب الحد أضيف إليه لحرمة الزمان أو المكان تعزیر مغلظ.» (حلبی، الکافی، ۱۴۰۳ ه ق: ۴۵۰) او در واقع هر عاملی را چه از حیث فعل و چه از حیث زمان و مکان که دخیل در این جرائم باشد را مشمول مجازات می‌داند او در ادامه ظرفیت تغلیظ این جرائم تعزیری را باتوجه به بعد زمانی و مکانی آنها اشاره می‌دارد و قاضی را در تغلیظ مجازات مختار می‌داند. ابن براج نیز مساله اقدامات موجب پیشگیری را مورد توجه قرار داده و می‌نویسد: «ینبغی للإمام ان یعاقبه عقوبه تردعه عن فعل مثل ذلک فی المستقبل، و یغرم ما أخذہ علی کماله» (ابن براج، ۱۴۰۶ ه ق، ۵۵۴/۲) او (اختلاسگر) را به مجازاتی که از انجام چنین کاری در آینده باز می‌دارد، مجازات کند... به همین مضمون نیز شیخ طوسی در النهایه می‌نویسد: «و ینبغی للسلطان أن یشهره بالعقوبه لکی یرتدع غیره عن فعل مثله فی مستقبل الأوقات» (طوسی، ۱۴۰۰ ه ق: ۷۲۲)

به‌هرحال سایر فقها نیز بر همین منوال تنها در ذیل کتاب محاربه، از چند فساد اداری - اقتصادی یاد کرده‌اند و بیان می‌دارند که این موارد، وارد در حکم سارق نمی‌باشد و مشمول تعزیرات خواهد بود و قاضی نیز با توجه به حساسیت و آثار جرائم می‌تواند مجازات تعزیر را غلظت

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری ۲۲۷

بخشد، فقها تنها به همین مقدار اکتفا نموده‌اند، لذا سیره متشرعه در این باب به ویژه در مساله نظارت عمومی و کشف و حتی پیشگیری، صاحب فتوا و راهکاری فقهی نیست، اگرچه برخی از فقها (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۵: ۲۱) در بحث امر به معروف و نهی از منکر، به لزوم نظارت عمومی پرداخته‌اند اما تنها به بیان اقسام آن و شرایط وجوبش همت گماشته‌اند و از نظارت عمومی بر نهادهای تحت نفوذ حاکمیت، و راهبرد عملی این نظارت سخنی به میان نمی‌آورند. لذا لازم است بررسی شود که ادله فقهی درتایید قانون «ادعاهای نادرست» به عنوان راهبرد عملی و بستری مناسب در جهت سوق به نظارت عمومی و کشف و پیشگیری جرائم اداری وجود دارد یا خیر؟

۱-۷. آیات تأیید کننده نظارت بر عملکرد افراد

قرآن که کلام الهی است راه و رسم صحیح زندگی اجتماعی را برای انسان ترسیم نموده، از جمله برای سلامت بخش‌های مختلف جامعه از آلودگی و فساد، طرح دقیق نظارت همگانی بر عملکرد افراد حقیقی و حقوقی تدوین کرده که به برخی از این آیات اشاره خواهیم کرد.

۱-۱-۷. آیات مربوط به ماجرای قوم شعیب (ع)

براساس آیات شریف قرآن، سعادت ابدی جامعه انسانی تنها در پرتو یکتاپرستی، سلامت اموراتصادی و پرهیز از هرگونه فسادانگیزی است که این مساله در آیات مربوط به ماجرای قوم شعیب (ع) (هود/۸۴ - ۸۵؛ شعرا/۱۷۶ - ۱۹۰) تبیین شده است. جناب شعیب (ع) پس از دعوت به توحید، به مبارزه با فساد اقتصادی که از روح شرک و بت پرستی سرچشمه می‌گیرد و در آن زمان میان آن قوم رواج داشته است، برخاست و فرمودند: «وَلَا تَتَّقُوا الْمِثَالَةَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ» (هود/۸۴) پیمان‌ه و وزن را کم نکنید (و دست به کم‌فروشی نزنید) من (هم اکنون) شما را در نعمت می‌بینم، (ولی) از عذاب روز فراگیر، بر شما بیمناکم. علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌نویسد: «اینکه از میان همه گناهان قوم، خصوص کم‌فروشی و نقص در مکیال و میزان را نام برده، دلالت دارد بر اینکه این گناه در بین آنان شیوع بیشتری داشته و در آن افراط می‌کرده‌اند به حدی که فساد آن چشم‌گیر و آثار سوء آن روشن شده بود و لازم بود که داعی به سوی حق، قبل از هر دعوتی آنان را به ترک این گناه دعوت کند و از میان همه گناهانی که داشته‌اند انگشت روی این یک گناه می‌گذارد». (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۵۴۱)

در آیه بعد نیز قرآن بر روی نظام اداری - اقتصادی آن قوم تاکید می‌کند «وَاِذَا قَامُوا فِي الصُّلْحِ عَلَيْهِمُ وَالَّذِينَ هُمْ يَدْعُونَ أَن يَدِينُوا بِحُكْمِ اللَّهِ وَالْحُكْمُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكَ إِن كُنْتَ تَعْلَمُ» (هود/۸۵) و ای قوم من، پیمان‌ها و وزن را با عدالت تمام دهید، و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید، و از حق آنان نگاهید و در زمین به فساد نکوشید. علامه در ذیل این آیه نیز اشاره می‌کند که: «راغب در مفردات می‌گوید: ماده (عیث) با ماده (عثی) معنای نزدیک به هم دارند نظیر ماده (جذب) با ماده (جبد)، چیزی که هست ماده (عیث) بیشتر در فسادهایی استعمال می‌شود که با حس مشاهده می‌شود ولی ماده (عثی) در فسادهایی به کار می‌رود که عقل آن را درک می‌کند نه حس و گفته می‌شود: (عثی - یعنی - عثیا) و بر این قیاس است آیه شریفه (و لاتعتوا فی الارض مفسدین) و نیز گفته می‌شود: (عثا یعثو عثوا)» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۵۴۲/۱۰) باتوجه به آیات مذکور آنچه خود را نشان می‌دهد، نهی از هرگونه فساد در عرصه اداره کشور می‌باشد چه فسادهای اداری قابل مشاهده و حس کردن و چه فسادهای اداری غیر قابل مشاهده نامحسوس و همچنین نهی از هرگونه فساد معاملی که به نوعی اشاره به فساد اداری - اقتصادی امروزه نیز دارد. با این وجود این آیات تنها به همین مقدار هشدار که به نوعی جنبه اقدام پیشگیرانه دارد بسنده می‌کنند و سازوکار اجرایی و یا معرفی بستری در جهت نظارت و کشف جرائم اداری به دست نمی‌دهد و یا دست کم، این آیات بر نظارت متراکم از ناحیه یک نهاد بالادستی دلالت دارد اما اینکه به چه شکل باشد مسکوت است.

۲-۱-۷. آیات مربوط به «امر به معروف» و «نهی از منکر» و مؤیدات روایی

اما براساس آموزه‌های قرآن و مؤیدات روایی یکی از وظایف اجتماعی انسان، نظارت بر اعمال و رفتار همدیگر یا همان نظارت عمومی و بیرونی است، این مفهوم در آیه ذیل، یافت می‌شود «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (توبه/۷۱) مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند... علامه طباطبایی در ذیل این آیه نیز بیان می‌دارد: «بعد از آن تذکر و بیان حال منافقین، اینک حال عامه مؤمنین را بیان می‌کند و می‌فرماید: (الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ) تا منافقین بدانند نقطه مقابل ایشان مؤمنین هستند که مردان و زنانشان با همه کثرت و پراکندگی افرادشان همه در حکم یک تن واحدند و به همین جهت، بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده دار می‌شوند و به همین جهت است که هرکدام، دیگری را به معروف امر می‌کند و از منکر، نهی می‌نماید. آری، بخاطر ولایت داشتن ایشان

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری ۲۲۹

در امور یکدیگر است - آنها هم ولایتی که تا کوچکترین افراد اجتماع راه دارد - که به خود اجازه می‌دهند هر یک، دیگری را به معروف واداشته و از منکر باز دارد» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۹/۷) مؤید این آیه شریفه، روایات متواتری است در مفهوم «امر به معروف» و «نهی از منکر».

– مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الزُّهْرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «وَيْلٌ لِقَوْمٍ لَا يَدِينُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۷/۱۶) وای به حال ملت‌ای که با امر به معروف و نهی از منکر تسلیم خدا نمی‌گردند

– وَ بِالْإِسْنَادِ عَنِ الرِّضَا ع أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ «إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذُنُوا بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ» (همان) هر گاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند باید منتظر حادثه‌ای از طرف خداوند بشوند

بنابراین یکی از مهمترین جوانبی که در تنظیم حیات اجتماعی مسلمانان نقش بسیار مهمی دارد، جنبه مسولیت عمومی و همگانی مسلمانان است که به عنوان فریضه «امر به معروف» و «نهی از منکر» شناخته می‌شود، طبق این فریضه هر فرد مسلمان در درجه اول مسئول پاک زیستن خود «علیکم انفسکم» (مائده/۱۰۵) و سپس مسئول پاک نگاه داشتن اهل و وابستگان خود است «قوا انفسکم و اهلیکم نارا» (تحریم/۶). این مسئولیت ربطی به مقام و رتبه ندارد، چرا که آیات مطلق آمده‌اند، لذا همانگونه که مسئولین بر رفتار زیردستان خود نظارت دارند، زیردستان نیز باید بر اعمال و رفتار مسئولین نظارت داشته باشند، به عبارت دیگر اگرچه مسئولیت‌ها به شکل مخروط از نقطه بالا شروع می‌شود تا به پهنای زیر قاعده مخروط منتهی می‌شود، طبق این فریضه باید مسئولیت به صورت تصاعدی از قاعده مخروط به طرف بالا آغاز شود و هر زیردستی مسئول رفتار بالادست خود باشد، لذا طبق این فریضه قرآنی، مسئولیت‌ها در ساختار جامعه اسلامی به صورت متقابل قرارداده شده است، اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این مساله را تأیید می‌نماید (فتحی، ۱۳۹۷: ۱۶).

باید توجه نمود که اساساً انسان، موجودی اجتماعی است و بسیاری از عوامل رشد و تکامل یا عقب ماندگی و سقوط او در روابط اجتماعی‌اش با دیگران قرار دارد، بنابراین حساسیت به این روابط و تلاش در جهت سالم سازی جامعه از وظایف اصلی انسان‌ها طبق بیان قرآن دانسته شده است. طبق

بیان این آیه از قرآن می‌توان «امر به معروف» را به عنوان یک سازوکار نظارت عمومی پنداشت، نظارتی که تمام مسلمانان را موظف می‌گرداند تا بر مسئولین و بر اجرای دقیق قوانین نظارت نمایند و مانع انحراف گردند. حاکمیت نیز وظیفه دارد بسترهایی قانونی برای نظارت در شئون مختلف برای مردم فراهم نماید که یکی از بهترین این بسترها می‌تواند قانون «ادعاهای نادرست» باشد؛ چرا که در آن از نظارت و خبر دهی عموم استفاده می‌شود. در وجوب امر به معروف و نهی از منکر با استناد به آیه «وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/۱۰۴) و همچنین استناد به روایات و بنای عقلا «لاستقلال العقل بوجوب منع تحقق معصیه المولی و مبعوضه و قبح التوانی عنه» (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۲۰۴/۱) در بین فقها هیچ اختلافی وجود ندارد بگونه‌ای که شیخ طوسی می‌نویسد: «واجبان بلا خلاف بقول الأئمه» (طوسی، ۱۳۷۵: ۱۴۶) اما تنها اختلافی (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴/۴۵۶) که در بین فقها وجود دارد در این مساله می‌باشد که آیا وجوب در این حکم، شرعی است و یا عقلی؟

صرف نظر از اختلاف نظر موجود در وجوب عقلی و یا شرعی امر به معروف و نهی از منکر چه با استناد بر عقل و چه با استناد بر آیات، از واضحات است که به صورت مطلق هر اقدامی با هر شکل و شیوه‌ای که مبعوض خدا باشد ناپسند قلمداد می‌شود، بنابراین وجوب مبارزه با تقلب و مفاسد اداری به عنوان یکی از مصادیق مورد نهی و مبعوض مولی، امری واضح و مبرهن می‌باشد، از طرفی دیگر تصویب قوانین بسترساز درجهت نظارت همگانی و جلوگیری و کشف این منکرات الهی به عنوان یکی از مصادیق مورد امر و معروف شارع مقدس و ناهی از آن، واجب و ضروری است، بنابراین وضع «قانون ادعاهای نادرست» به علت دارا بودن بسترکشف و مبارزه، از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد و ادله موجود در این آیه بر این قانون صدق می‌کند، همچنین می‌توان گفت از طریق تنقیح مناط نیز می‌توان وجوب وضع این قانون را با توجه به مناطات امر به معروف و نهی از منکر ثابت نمود، چرا که مناط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح عوام و پرهیز از کارهای ناشایست و ناپسند و عدم تسلط کفار بر جامعه اسلامی است، بدون شک این مناطات با تصویب «قانون ادعاهای نادرست» به عنوان یکی از قوانین حمایتی و پیشگیرانه، محقق می‌گردد.

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری ۲۳۱

نکته بسیار مهم دیگری که نیازمند اشاره به آن است پیشگیرانه بودن امر به معروف و نهی از منکر از جنبه اجتماعی آن است و نه وضعی، بگونه‌ای که طبق روایات اگر امر به معروف و نهی از منکر احساس کند که امر یا نهی او اثرگذار نیست و جواب این فریضه از او ساقط می‌گردد، و تنها نباید به اثرگذاری کوتاه مدت و منافع لحظه‌ای آن توجه کند، قانون «ادعاهای نادرست» نیز به عنوان یکی از مصادیق این فریضه باید به جنبه پیشگیرانه آن به ویژه به عنوان یک رهیافت اجتماعی نگریسته شود و توجه و شناخت ریشه‌ای جرائم اداری در کنار اثرات وضعی آن می‌تواند اثرات واقعی‌تری را داشته باشد.

۲-۷. روایات تأیید کننده نهاد نظارت عمومی

با بررسی کتب روایی (ر.ک: عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۲۱) احادیث بسیاری را می‌توان یافت در حرمت برخی از مصادیق فساد اداری مانند رشوه، اختلاس، جعل و ... اما آیا روایات به معرفی بستر یا سازوکار اجرایی در جهت نظارت عمومی و کشف جرائم و یا حتی پیشگیری از تخلفات اشاره دارد؟ با نگاهی پژوهشی به روایات می‌توان دریافت، که نظارت مردم بر مسئولین به عنوان یک حق و بلکه یک تکلیف شناخته شده است، چرا که امیرمومنان می‌فرماید: «هرگاه خواص، آشکارا دست به تباهی زدند و انبوه مردم بر آنان نشوریدند، هر دو گروه مستوجب عقوبت خواهند بود» (سیدرضی، ۱۴۱۴: ۳۷۱) مراد از شوریدن در اینجا اعتراض و تذکر دادن نسبت به فساد در سیستم اداری می‌باشد؛ چرا که خواص به کسانی اطلاق می‌شود که مناصب مختلف حاکمیتی را در اختیار دارند. می‌توان تجلی و سازوکار این حق نظارت مردمی را در فریضه «امر به معروف» دید، که به برخی از آن در تأیید آیات الهی اشاره نمودیم، همچنین روایتی دیگر از امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه موجود است که مربوط به سازوکاری اجرایی در نظارت و کشف جرائم اقتصادی می‌باشد، امیرمومنان (ع) در نامه خود به مالک اشتر نخعی دو بعد نظارت را معرفی می‌نماید.

اول: از جانب دولت کسانی را که مورد اطمینان (دینی- اخلاقی) باشند و به ظاهر شغل رسمی ندارند بگمارند تا در میان مردم به فحوص و جستجو بپردازند و از زوایا و امور پنهان جاری باخبر شوند و کمبودها و کاستی‌ها را بدون کم و زیاد یا اغراق به مراتب فوق ابلاغ دارند «تَقْتَقِدُ أُمُورَ مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمُهُ الْعُيُونُ وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ فَفَرَّغْ لِأَوْلَيْكَ تَقْتَكَّ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَ التَّوَأُضِعْ

فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ ثُمَّ اَعْمَلْ فِيهِمْ بِالْإِعْذَارِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ يَوْمَ تَلْقَاهُ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ مِنْ بَيْنِ الرَّعِيَّةِ
أَخْوَجَ إِلَى الْإِنصَافِ...» (سید رضی، ۱۴۱۴:۳۷۸)

دوم: اوقات معینی را با عامه مردم باش و با آنان گفتگو کن و گفته‌ها و نیازها را مستقیماً از زبان خودشان بشنو... «اجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْماً تُفْرَعُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَ تَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِساً عَاماً فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَ تُقْعِدَ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ أَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شُرَطِكَ، حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَتَعِعٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَتَعِعٍ» (همان) برای ارباب رجوع وقتی مقرر کن و خود شخصاً به گرفتاری‌هایشان برس و برای این موضوع، مجلسی عمومی تشکیل ده و در آن مجلس برای خدایت که تو را آفریده و این مقام داده فروتنی کن و در این موقع ارتش و مأموران و پاسبانان را از جلوی چشم مردم دور کن تا بدون پروا و هراس با تو سخن گویند، زیرا مکرر از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: هرگز ملتی به قداست و پاکی نخواهد رسید مگر آنکه در میان آنها حق ضعفا از اقویا و نیرومندان بدون لکنت و پروا گرفته شود.

در قسم دوم در واقع امام (ع) یکی از وظایف حاکمیت را در فراهم آوردن بسترهای قانونی برای نظارت در شئون مختلف، برای مردم را بیان می‌فرماید به عبارتی دیگر، یکی از حقوق مردم که برعهده حاکمیت است فراهم آوردن زمینه برای اطلاع رسانی از جرائم اداری - اقتصادی است، طبق این روایت ماموران و نگهبانان و به‌طور کلی هر مانعی برای رجوع مردم کنار گذاشته می‌شود و از طرفی قرار دادن زمان مشخص برای ارتباط بدون واسطه، بدون هیچگونه مانع و هراسی با مرجع رسیدگی به جرائم بستر مناسبی برای اطلاع از وضعیت خدمت‌رسانی به مردم است؛ بنابراین برای رسیدن به این مقصود باید قوانین بگونه‌ای باشد تا شأن نظارتی مردم نسبت به دولت حفظ شود و با اطمینان و طرح‌های حمایتی، جرائم و مدارک آن را به مسئولین برسانند، نکته قابل ملاحظه در مجموع روایات «باب امر به معروف» ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد، از آنجایی که جامعه اسلامی در عصر اطهار (ع) در الزام رعایت فرائض اسلامی حامی و پشتیبان یکدیگر بودند، و با توجه به بافت قبیله‌ای جامعه عرب، به نوعی آمران به معروف از «قانون حمایتی» برخوردار بودند و این نکته مبرهن، نیاز به یادآوری در کلام اهل بیت (ع) نبود و از طرفی دیگر، تکیه روایات برپاداش

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری ۲۳۳

اخروی آمران به معروف و ناهیان از منکر، به نوعی «قانون تشویقی» ناگفته‌ای برای افشاگران و آمران خواهد بود.

۳-۷. قواعد فقهی موید قانون لینکلن

با روشن شدن مفهوم قانون «لینکلن» و همچنین حیطه مباحث فساد اداری-اقتصادی در کلام فقها و همچنین آیات و روایات، اکنون به تحلیل و بررسی ادله فقهی موید قانون «لینکلن» با توجه به قواعد فقهی می‌پردازیم:

۱-۳-۷. قاعده نفی سبیل

این قاعده فراگیر و گسترده در تمامی ابواب فقه (ر.ک: بجنوردی، ۱۴۱۹/۱:۱۸۷) مأخوذ از آیات و روایات مستفیض و عقل بوده بگونه‌ای که می‌توان گفت فقها برآن اجماع دارند، اگرچه در این میان استناد به اجماع و عقل مورد خدشه قرار می‌گیرد ولی با تکیه بر آیه نفی سبیل «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (النساء/۱۴۱) و حدیث نبوی «الإسلام يُعلو و لا يُعلیٰ علیه و الكفارُ بمنزلة الموتی لا یحجُبون و لا یُثنون» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۳۴/۴) می‌توان پذیرش این قاعده را در نزد فقها پذیرفت (بجنوردی، ۱۴۱۹/۱:۱۸۷؛ فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۳: ۲۳۳) این قاعده فقهی در تاریخ اسلام به ویژه دوران معاصر، مستند فتاوی متعدد بوده است مانند فتوای تحریم تنباکو، فتوا به ملی شدن صنعت نفت، فتوای تحریم کاپیتولاسیون و... بنابراین طبق بیان فقها و استناد به این قاعده، حرمت هر عملی که سبب شود دشمنان دین و یا غیرمسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند روشن و واضح است (همان).

۱-۱-۳-۷. سلطه اداری - اقتصادی

تجارب قرون اخیر نشان داده که یکی از مجاری مهم سلطه استعمارگران، نظام اداری-اقتصادی جوامع است، «از نظر اسلام، استقلال دولت و ملت مسلمان عبارت است از عدم سلطه و حاکمیت کفار بر مسلمانان بر اساس قاعده معروف فقهی نفی سبیل (قاعده نفی سبیل)، کافر هیچ نوع ولایت و سلطنت در عرصه‌های مختلف زندگی اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... بر مسلمان ندارد» (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶/۱:۴۵۱) باید دقت نماییم طبق آیه نفی سبیل (النساء/۱۴۱) با توجه به واژه «لن یجعل...» جعل در اینجا تشریحی است به عبارت دیگر خدا حکمی را که باعث تسلط کافر

بر مؤمن باشد تشریح نکرده است (جعفری، ۱۳۷۶: ۵۹۷/۲) همچنین واژه «سبیل» نکره در سیاق نفی است و عمومیت را می‌رساند؛ بنابراین از هیچ نظری، چه نظامی، چه سیاسی، چه فرهنگی، چه اقتصادی، خداوند هیچ‌گونه حقی به کفار نداده است تا بر مومنان چیره شوند. (طیب، ۱۳۷۸: ۲۴۶/۴)

بنابراین قوانین و سیاستگذاری جامعه اسلامی باید به نحوی باشد که باب سلطه بیگانگان و سلطه‌پذیری از آنها، در همه زمینه‌ها به ویژه موضوع فساد اداری بسته شود، دشمن از هر سازوکاری برای سلطه و نفوذ و تحت تأثیر قراردادن سایر ارکان نظام استفاده می‌کند، ایجاد شبکه‌های فسادزا در نهادهای دولتی و خصوصی نمونه‌ای از حربه آنان برای تسلط بر جوامع اسلامی است، نمونه‌ای از این سلطه را در سال‌های اخیر می‌توان در قرارداد شرکت فرانسوی توتال^۱ دید، این شرکت فرانسوی که در قالب یک کنسرسیوم^۲ با ایران قرارداد بست که سهمی ۵۰/۱ درصدی داشت، این قرارداد که اولین قرارداد با استفاده از مدل جدید قراردادهای نفتی (IPC) بود با خیانت و بدعهدی این شرکت در پیش برد تحریم‌های آمریکا علیه مردم ایران مواجه شد و چندی بعد این شرکت «در دادگاه فرانسه به پرداخت ۵۰۰ هزار یورو جریمه محکوم شد، پرداخت ۳۰ میلیون دلار رشوه به واسطه‌ها برای قرارداد گازی و نفتی در میدان پارس جنوبی که در سال ۱۹۹۷ امضا شد از علل این محکومیت اعلام شده است»^۳. باتوجه به این مطالب قاعده نفی سبیل، می‌تواند به عنوان یکی از ادله مهم فقهی در جهت تأیید «قانون لینکلن» برای ایجاد بستری که دارای جنبه حمایتی و تشویقی باشد درصدد مسدود ساختن و کشف نفوذ و سلطه بیگانگان مؤثر باشد.

۲-۱-۳-۷. سلطه سیاسی

یکی دیگر از مصادیق تسلط دشمنان بر جوامع اسلامی، سلطه سیاسی است (مؤمن، ۱۳۸۲: ۱۳۴) که طبق قاعده نفی سبیل باید مانع آن شد. در این روش دشمن به علت ضعف در اطلاع‌رسانی به مردم و همچنین به علت وجود تنها نظارت متراکم در نهادهای دولتی و خصوصی، در پرتو وجود شایعات فساد، باعث بی‌اعتمادی و ایجاد تنش و ناآرامی در جامعه می‌شود و افکار عمومی را تحت کنترل خود قرار می‌دهد، همچنین از طریق به قدرت رساندن جاسوسان خود و یا کسانی که طوری می‌اندیشند که دشمن می‌پسندد و یا حتی از طریق ایجاد تله‌های جاسوسی، در تصمیم‌سازی‌های سیاسی کلان

1. TOTAL
2. Consortium
3. <https://per.euronews.com/2018/12/21/the-oil-giant>

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری ۲۳۵

ممالک اسلامی تسلط می‌یابند، بنابراین طبق این قاعده فقهی که هرگونه تسلطی را بر نمی‌تابد می‌توان از طریق ایجاد بستر نظارت عمومی و وضع «قوانین حمایتی و تشویقی» این نوع تسلط و پیامدهای سیاسی آن را که گاه جبران آن برای دولتمردان بسیار سخت و حتی غیرممکن است، مهار نمود.

۲-۳-۷. قاعده حفظ مصلحت

از قواعد فقهی که فقها در موارد کثیری مبنای استنباط احکام قرارداده اند قاعده حفظ مصلحت است (شعرانی، ۱۴۱۹: ۴۶۱/۲). از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران وضع احکام براساس مصالح و مفاسد می‌باشد، مرحوم میرزای نائینی می‌نویسد: «راهی برای انکار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد در متعلقات نیست، زیرا در افعال با قطع نظر از امر و نهی شارع، مصالح و مفاسدی نهفته است و همین مصالح و مفاسد، علل و مناسبات احکام هستند» (نائینی، ۱۳۷۶: ۵۹/۳)؛ بنابراین «مصلحت، از جمله مسائل مهمی است که نمی‌توان در قبال آن بی تفاوت بود. باید گفت عنصر مصلحت به تنهایی و بدون هیچگونه قیدی می‌تواند در تمامی احکام الزامی و غیر الزامی و در همه مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... پایه احکام حکومتی قرارگیرد و مصلحت سنجی‌هایی که از سوی حاکم در خارج از چارچوب احکام فرعی اولیه صورت می‌گیرد، لزوماً به استناد عناوین ثانویه نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۰۲/۱۷).

نظام اسلامی مسلماً باید در وضع قوانین و سیاست‌های خود مصلحت اسلام، نظام اسلامی و مسلمین را در نظر بگیرد؛ بدون شک منشاء قاعده حفظ مصلحت، در بحث حاضر اعم از مصالح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. با توجه به اینکه وضع «قوانین تشویقی و حمایتی» مانع هدر رفت بیت‌المال و جلوگیری از بی‌اعتباری وجهه نظام اسلامی می‌شود، به مقتضای قاعده حفظ مصلحت، می‌توان وجوب وضع قانون «ادعاهای نادرست» را استنتاج نمود. توجه به قاعده مصلحت، و حفظ مصالح نظام اسلامی چیزی نیست که بتوان از آن به سادگی گذر نمود؛ مقتضای این قاعده ما را به این نتیجه می‌رساند که باتوجه به فسادزا بودن بروکراسی اداری کشورمان و تکیه مخالفان نظام اسلامی بر مبحث اقتصاد برای لطمه زدن به اعتماد مردم و پایه‌های استقرار نظام اسلامی و به تبع آن فراهم آمدن شرایط بد اقتصادی به ویژه برای قشر کم درآمد کشور، ایجاد می‌کند که با توجه به حفظ مصلحت و اقتضای جامعه به این قانون بومی گزیده توجه بیشتر گردد؛ همچنین باتوجه به این

قاعده فقهی، در جهت حفظ شأن و جایگاه نظام اسلامی و در جهت جلوگیری از لطمات جبران‌ناپذیر بر پیکره جامعه اسلامی به وضع قوانین کارآمد و متناسب در جهت برخورد با مفسد سازمان یافته پردازیم و وضع «قانون ادعاهای نادرست» خود یکی از مصادیق حفظ این مصلحت به شمار می‌رود.

۳-۳-۷. قاعده احترام مال مردم

از دیگر قواعد فقهی که مستند آن روایات و بنای عقلا می‌باشد، قاعده احترام مال مردم است. «مقصود از احترام مال مردم، مصونیت اموال آنان از تصرف و تعدی است، بدین معنا که اولاً تعدی و تجاوز نسبت به آن‌ها جایز نیست و ثانیاً در فرض وقوع تعدی و تجاوز، متجاوز، مسئول و ضامن است» (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۱۳/۱؛ مصطفوی، ۱۴۲۶: ۲۴/۱). بدون تردید می‌توان گفت مفاد این قاعده از احکام امضائی اسلام است نه تأسیسی (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۱۳/۱) چراکه زندگی عقلا و خردمندان بر این امر بنیان گردیده و برای هیچ کس جای انکار نیست؛ بنابراین روایات و مستندات نیز مؤید همین بنای عقلایی است. بی‌شک مردم در هر جامعه‌ای ولی نعمتان آن کشور محسوب می‌شوند و برداشت ثروت عمومی بصورت نامشروع و بدون حساب و کتاب در جهت منافع شخصی تعدی و تجاوز به اموال عمومی محسوب می‌شود. باتوجه به مفاد این قاعده فقهی تنها راه محترم شمردن ثروت عمومی صرف آن در جهت خدمت‌رسانی به صاحبان آنان است درحالی که فساد اداری و مصرف نامشروع آن برای قشر خاصی می‌تواند مصداقی صریح درجهت عدم مصونیت بیت المال قلمداد شود.

اتلاف و مصرف بی‌حد و حصر بودجه‌های اداری بدون داشتن خدمت‌رسانی صحیح به مردم که ناشی از کهنگی فساد در داخل سازمان‌های اداری است و از همه مهمتر پنهان و مسکوت بودن این نقاط ضعف قوانین اداری و جریان داشتن همین رویه با تغییر مقامات اداری نمونه‌ای کاملاً آشکار از نامحترم شمردن اموال عمومی است، وجود قوانینی که بتواند اموال عمومی را مصون بدارد و از طرفی بتواند نقاط ضعف یک قانون را آشکار نماید، بسیار الزامی است، بنابراین باتوجه به این قاعده فقهی و مطالب گفته شده می‌توان وجوب وضع «قوانین تشویقی و حمایتی»، به‌ویژه «قانون ادعاهای نادرست» را با تمام توان و ظرفیتهایی که دارد، لازم دانست. بلکه می‌توان گفت طبق این قاعده فقهی وضع این قانون واجب است، به این دلیل که می‌تواند زمینه بازگشت بخش اعظمی از

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری ۲۳۷

اموال عمومی را که خود وجهی از محترم دانستن اموال مردمی است با کمترین هزینه به بیت‌المال فراهم سازد.

وضع این قانون به‌عنوان یکی از بهترین مصادیق «قوانین تشویقی و حمایتی» در واقع نوعی احترام به اموال مردم و جلوگیری از اسراف منابع ملی است. در واقع وضع این قانون، خود نوعی مصونیت اموال مردمی از تصرف و تعدی است، و یا حداقل می‌توان گفت مانعی برسر راه اقدامات تخلفات اداری است و حتی می‌تواند شرایط را برای متخلفان اداری سخت نماید و در بین آنان تردید و عدم اعتماد ایجاد کند، «قانون ادعاهای نادرست» باتوجه به کارآیی و آمار به‌دست آمده (پرنیان، ۱۳۹۶: ۲۳) تصرف و تعدی به اموال عمومی را به کمترین میزان خود می‌رساند و از طرفی دیگر متجاوز را به‌عنوان مسئول و ضامن در سریع‌ترین و کم هزینه‌ترین میزان موجود معرفی می‌نماید.

۸. حکم فقهی دریافت تشویقی افشاگر

پول پرداخت شده به‌عنوان یک عامل محرک و مشوق در این قانون آیا پشتوانه شرعی - فقهی دارد؟ به عبارت دیگر، هرچند ممکن است مقتضای ادله مطرح شده در جهت تأیید فقه و شرع مقدس نسبت به این قانون باشد و حتی به نوعی دلالت بر لزوم آن داشته باشند، اما باید توجه داشت که پرداخت ۳۰٪ مبلغ مورد فساد و اختلاس، به فرد گزارش دهنده، از آن جهت که از خزانه بیت‌المال به‌صورت غصبی برداشت شده است چه پشتوانه فقهی دارد؟ به عبارت دیگر در ازای چه امری حاکم باید این مبلغ را به افشاگر پرداخت نماید؟

پاسخ روشن است، همانگونه که حاکم در نظارت متراکم و یا قراردادن ناظر مشخص مبلغی از خزانه را قرار می‌دهد، در این صورت نیز حاکم به ازای نظارت و افشاگری ناظر عمومی، مبلغی را برای او تعیین می‌نماید در حقیقت می‌توان اینگونه پرداخت‌ها را در ذیل برخی از عقود و قراردادهای فقهی از جمله جعاله و وکالت قرار داد. در تعریف جعاله آمده است: «در لغت به معنای مالی است که در عوض انجام فعلی قرار می‌دهند و از نظر شرع به معنای صیغه‌ای که ثمره‌اش دریافت منفعتی به عوض عملی در حالی که علم به عمل و عوض شرط نیست» (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴/۴۳۹). همچنین در توضیح شرایط جعاله می‌نویسند: «جعاله جایز است بر هر عمل حلال مورد توجه برای عقلا، در حالی که آن عمل بر عامل واجب نباشد، پس بر اعمال حرام مانند زنا جعاله صحیح نمی‌باشد... و در (جعاله) نیاز به قبول لفظی نمی‌باشد، بلکه انجام عمل مورد تقاضا کافی است و همچنین نیازی به

مخاطب قرار دادن شخص معینی نیست، پس اگر گفته شد: ... به صیغه عموم برای دوزنده لباسم فلان چیز یا مال یا شی، (جعاله) صحیح است» (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴/۴۳۹). فقها در ذیل بحث جعاله متذکر شده‌اند، در صورتی که به هر دلیلی عمل مورد جعل متوقف شود و یا جعاله باطل شود فرد عامل، مستحق اجرت‌المثل است (امام خمینی، ۱۴۲۵: ۲/۵۱۵).

بنابراین با توجه به مطالب بالا، می‌توان «قانون ادعاهای نادرست» را به پشتوانه جعل حاکم مبنی بر قرار دادن عوضی که در کلیت معین است جهت عمل افشاگری، برای عامل غیر متعین با قانون و صیغه‌ای عام بدون نیاز به ایجاب لفظی قرار دهد و در صورتی که خود عامل، به تنهایی پرونده افشاگری را پیش ببرد به مقدار عمل او در جهت پیش برد اثبات مدعا، اجرت‌المثل تعلق می‌گیرد به همان صورتی که اگر عامل، شریک در فساد مورد نظر باشد، به واسطه افشاگریش علاوه بر دریافت اجرت، مستحق مجازات تعزیری متناسب با شراکتش در اصل جرم نیز هست. همچنین می‌توان گفت ناظران عمومی به‌عنوان وکلای دولت قلمداد می‌شوند، در واقع دولت به عموم مردم حق وکالت می‌دهد تا برکارکنانش نظارت داشته باشند و به دنبال کشف و اثبات فساد اداری-اقتصادی باشند و حتی اگر دولت به دنبال پیگیری پرونده نباشد ناظران عمومی می‌توانند روال قانونی آن را تا اثبات جرم ادامه دهند و مستحق ۳۰ درصد از مبلغ بازگشت شده به خزانه بیت‌المال باشند. از طرفی دیگر حفظ مصلحت نظام این مساله را ایجاب می‌کند که حاکم شرع بخشی از بیت‌المال را برای افشاگری و جلوگیری از تضرر وارده بر منافع دینی و دنیوی مسلمانان قرار دهد. شیخ طوسی در کتاب جهاد المبسوط خود می‌نویسد: «يجوز للامام و خليفته اذا دخل دار الحرب ان يجعل الجعایل علی ما فيه مصلحة المسلمين فيقول: من دلنا علی قلعه كذا فله كذا، وكذلك علی طريق غامض فله كذا، وما أشبه ذلك» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۲/۲۷). هرگاه امام و جانشین او، وارد سرزمین کافران شد، می‌تواند با توجه به مصلحت مسلمانان، قراردادهایی را ببندد. به این ترتیب: هر کس به ما فلان قلعه را نشان دهد یا ما را به فلان راه دشوار رهنمون شود صاحب فلان مبلغ است و مانند اینها. همچنین انسان می‌تواند برای مشاغلی که نظم و مصلحت جامعه به آن وابسته است و حتی واجب کفایی می‌باشد، مزد بگیرد و این مبلغ پرداختی جعاله و وکالت به عنوان عامل محرک، از جمله این موارد است. مرحوم صاحب جواهر الکلام در مبحث (جرمه التکسب بما یجب علی الانسان فله) عبارتی دارد که نتیجه آن چنین است: «اشکال ندارد انسان برانجام دادن واجبه‌های کفایی، مانند صنعت‌ها،

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری ۲۳۹

مزد بگیرد، چرا که روشن است نظام جامعه بر انجام آنها بستگی دارد» (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۰۴/۲۱). بنابراین با همه این تفاسیل مبلغ پرداختی از بیت‌المال به‌عنوان مشوق و عامل محرک، می‌تواند با پشتوانه فقهی قراردادهای جعاله و وکالت دارای وجهه فقهی - شرعی باشد.

نتیجه‌گیری

تقلب و فساد اداری را می‌توانیم در هیئت یکی از پرگردش‌ترین و سودآورترین تجارت‌های بزرگ جهان همانند موادمخدر و فروش اسلحه دانست. آنچه مسلم است در کشور ما مبارزه با فساد اداری و پیشگیری اجتماعی از آن نیازمند عزم و اراده جدی و واقعی دولتمردان فارغ از نگاه‌های خاص سیاسی‌شان و داشتن نگاه بلندمدت است به‌خصوص در برهه‌ای که کشور با تحریم‌های اقتصادی و به عبارت دیگر ترور اقتصادی مواجه است، مبارزه و پیشگیری از جرائم اداری بیش از آنکه از منطق قضایی و راهبرد سرکوب‌گرایانه پیروی کند نیازمند توجه به مباحث اجتماعی و علل زیربنایی آن است. وجود شمار بالای کشف فساد و اختلاس و رسانه‌ای شدن آن احتیاج به بستری مناسب برای حمایت و تشویق و پیشگیری از ارتکاب تخلفات را لازم می‌نماید. تصویب قانون «ادعاهای نادرست» که دارای پشتوانه فقهی‌ای چون «قاعده نفی سبیل» «قاعده حفظ مصلحت» «قاعده احترام مال مردم» «شمول ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر» می‌باشد، می‌تواند نظارت را از صورت متراکم که دارای آسیب‌های فراوان و پرهزینه‌ای است به نظارت مردم و جمهور سوق دهد؛ در واقع با تصویب این قانون، مسولیت کنترل رخدادهای ناخواسته مانند اختلاس و فساد اداری میان دولت و شهروندان و کنشگران و نهادهای غیر دولتی توزیع می‌گردد. همچنین فارغ از ادله فقهی مورد تمسک، می‌توان پذیرفت که این قانون می‌تواند در ذیل مبحث جعاله و وکالت مطرح گردد و درواقع یکی از مصادیق جعاله و وکالت باشد. همچنین تصویب این قانون فارغ از سوددهی آن برای دولت و افشاگران به‌عنوان مشوق، میزان مشارکت مردم را در برخورد با فساد اداری و اختلاس به‌عنوان یک تکلیف بالا می‌برد، در حالی که تاکنون در قوانین مصوب خود به مشارکت حداکثری مردم توجه نکرده‌ایم. بنابراین تصویب قانون «ادعاهای نادرست» باتوجه به مدارک فقهی ارائه شده و بیان آثار مترتب بر آن، می‌تواند به‌عنوان یکی از بسترهای حمایت و تشویق نظارت مردمی بر نهادهای فسادزا باشد.

پیشنهادات

جهت اثرگذاری بهتر این قانون و قوانین مشابه و توجه بیشتر به قوانین پیشگیرانه اجتماعی، پیشنهاد می‌شود با تقویت جنبه حمایتی این قانون توسط قوانین موضوعه دیگر و اصلاح سایر قوانین مغایر و همچنین متغیر بودن درصد تشویقی با توجه به گستره تخلف و حساسیت آن باتوجه به بعد زمان و مکان می‌توان قدمی مهم در جهت اصلاح و کاربرد بیشتر این قانون باشد. همچنین تأسیس مؤسسات غیردولتی حقوقی و وکالتی خاص در جهت شفافیت و حمایت از افشاگران، که از محل دریافت پاداش، متناسب با قراردادی که بین این مؤسسات و فرد افشاگر بسته می‌شود اداره می‌گردند و به افشاگران، خدمات حقوقی و یا خود عهده‌دار پیگیری قضایی آن جرم می‌شوند، نقش اثرگذاری در کاربردی شدن این قانون داشته باشد، همچنین افزایش آگاهی و فرهنگ‌سازی مردم و توجه آنان به حقوق شهروندی، می‌تواند اثرات مثبت زیرساختی در جهت پیشگیری اجتماعی این قانون داشته باشد. همچنین باید متذکر شد که محرمانه بودن اطلاعات مورد استناد و هویت افشاگران یکی از مهمترین مصادیق قوانین حمایتی است، برای اجرای جنبه حمایتی این قانون، باید سامانه‌ای الکترونیکی تدارک دیده شود تا افشاگران بدون ترس از شناسایی هویتشان، اطلاعات و اسناد مورد نظر فساد اداری را در آن بارگزاری نمایند و در صورت اثبات مدعا با ارائه کد رهگیری و اسناد موردنظر، به تناسب تاثیرگذاریشان در اثبات، مبلغ تشویقی دریافت نمایند، از طرفی دیگر ایجاد این سامانه الکترونیکی مانع تهمت‌زنی‌ها و ادعاهای نادرست، قبل از اثبات جرم می‌شود. اثر دیگر این سامانه در دسترس بودن آن برای همه اقشار مردم با کمترین هزینه و همچنین ارتباط بی‌واسطه آنان با ماموران نظارتی است. این ماموران باید فرا قوه، و به عبارتی بدون وابستگی به قوه خاصی باشند.

واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری ۲۴۱

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن براج، قاضی، عبد العزیز طرابلسی، ۱۴۰۶ ه ق، المهدب (لابن البراج)، ۲ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی، (۱۴۱۹ ه ق)، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی

پرنیان، احسان، (۱۳۹۶ ش)، گزارش استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای مبارزه و پیشگیری از فساد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۵۵۱۰

حلی، ابو الصلاح، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ ه ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام

جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶ ش)، تفسیر کوثر، قم: انتشارات هجرت

جمعی از پژوهشگران، (۱۳۹۷ ش)، گزارش توجیهی پیش نویس لایحه شفافیت، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، (۱۴۲۶ ه ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

خمینی، سید روح الله موسوی، (۱۴۱۵ ه ق)، المکاسب المحرمه، قم - ایران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره

-----، (۱۴۲۵ ه ق)، تحریر الوسیله، علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

خمینی، سید روح الله موسوی، (۱۳۷۹ ش)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی قدس سره.

سید رضی، محمد بن حسین موسوی، (۱۴۱۴ ه ق)، نهج البلاغه، قم-تهران، مؤسسه نهج البلاغه، چاپ اول
سیفی مازندرانی، علی اکبر، (۱۴۱۵ ه ق)، دلیل تحریر الوسیله - الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، قم - ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

شعرانی، ابوالحسن، (۱۴۱۹ ق)، تبصره المتعلمین، تهران: منشورات الاسلامیه

شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، (۱۴۱۰ ه ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (المحسّی - کلاتر)، قم: کتابفروشی داوری

صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، (۱۴۱۳ ه ق)، من لا یحضره الفقیه، قم - ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ دوم

طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۶ ش)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۳۷۵ ه ق)، الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد (للشیخ الطوسی)، تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون

-----، (۱۳۸۷ ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، محقق: محمدتقی کشفی محمدباقر بهبودی، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ سوم

-----، (۱۴۰۰ ه ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، در یک جلد، دار الکتاب العربی، بیروت: چاپ دوم

طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸ ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام عاملی، حرّ، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ه ق)، وسائل الشیعه، قم - ایران، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول

علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۳ ه ق)، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم

فاضل موحدی لنگرانی، محمد، (۱۳۸۳ ش)، القواعد الفقهیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول

فتحی، محمد، کاظم کوهی اصفهانی، (۱۳۹۷ ش)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۶۹)، تهران-ایران، پژوهشکده شورای نگهبان.

قماش، سعید، مرتضی عارفی (۱۳۹۶)، «موانع سیاسی و اقتصادی پیشگیری اجتماعی از جرم»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه رضوی، مشهد: بهار- تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱۳

محقق داماد، سید مصطفی، (۱۴۰۶ ه ق)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم مصطفوی، محمدکاظم، (۱۴۲۶ ق)، القواعد الفقهیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

مصوبات مجلس شورای اسلامی، قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، شماره ابلاغیه: ۱۱/۵۷۶۲۰، تاریخ ابلاغیه: ۱۹/۰۹/۱۳۹۰، سال: ۱۳۹۰، شماره چاپ: ۱۱

مؤمن، محمد، (۱۳۸۲) «کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض»، مجله فقه اهل بیت، قم: شماره ۳۵ نائینی، محمدحسین، (۱۳۷۶ ش)، فواید الاصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

۲۴۳ واکاوی مبانی فقهی مشروعیت اقدامات پیشگیری کننده در جهت کاهش فساد اداری

نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۲ ش)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، مترجم عباس قوچانی، بیروت: دار

إحياء التراث العربی، چاپ هفتم

منابع خارجی

[https://www.justice.gov/sites/default/files/civil/legacy/2011/04/22/C-](https://www.justice.gov/sites/default/files/civil/legacy/2011/04/22/C-FRAUDS_FCA_primer.pdf)

[FRAUDS_FCA_primer.pdf](https://www.justice.gov/sites/default/files/civil/legacy/2011/04/22/C-FRAUDS_FCA_primer.pdf)

<http://legislink.org/us/pl-99-562>

<https://www.law.cornell.edu/wex/relator#content>

https://www.law.cornell.edu/wex/qui_tam#content

https://www.law.cornell.edu/wex/False_Claims_Act#content

<https://www.acfe.com/fraud-resources.aspx>

[https://per.euronews.com/2018/12/21/the-oil-giant-total-fined-500-000-](https://per.euronews.com/2018/12/21/the-oil-giant-total-fined-500-000-euros-for-corruption-in-iran)

[euros-for-corruption-in-iran](https://per.euronews.com/2018/12/21/the-oil-giant-total-fined-500-000-euros-for-corruption-in-iran)